Semiannually journal of Value & Behavioral Accounting 10.29252/aapc.5.9.371

The Role of Mental Accounting in Self-employed Business Owners' Tax Behavior (Case Study: Self-employed Taxpayers of Fars Province)

Fahime Ebrahimi *
Assistant Professor, Jahrom University (Corresponding author)
febrahimi@jahromu.ac.ir

Zahra Najafi
Chief Tax Auditor, State Tax Administration of Fars Province
najafi_zahra00@yahoo.com

Abstract:

The business income tax is major source of tax revenues due to its importance and size. The purpose of this research is to investigate the role of mental accounting in shaping tax behavior of self-employed taxpayers. This is a survey research and the statistical population is comprised of individual taxpayers in Fars province in 2019. Hypothesis testing using R based on a sample of 184 small business owners revealed that self-employed taxpayers vary in how they use mental accounting and do tax calculations. They can be divided into segregators and integrators. Furthermore, the results revealed a significant difference between mental accounting of income tax and value-added tax (VAT). Taxpayers are more likely to segregate their mental accounts for VAT than they do for income tax. In addition, there is a positive relationship between tax knowledge and using mental accounting and a positive relationship between mental accounting and tax compliance. Therefore, it is important for the government to promote small business owners' knowledge that can influence their mental accounting and, in turn, their tax compliance.

Keyword: Mental Accounting, Self-employed Taxpayers, Income Tax, VAT, Tax Compliance.

Copyrights

This license only allowing others to download your works and share them with others as long as they credit you, but they can't change them in any way or use them commercial.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

مقاله پژوهشی

دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری- سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صفحه۳۷۱- ۳۹۴

نقش حسابداری ذهنی در رفتار مالیاتی خویش فرمایان (مورد مطالعه: مؤدیان حقیقی استان فارس)

فهیمه ابراهیمی[*1] **زهرا نجفی**[2]

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۱ **تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۳۰**

چکیده

بخش مشاغل یکی از بخش‌های تأمین‌کننده مالیات است که به دلیل اهمیت و گستردگی می‌تواند سهم زیادی در تأمین درآمدهای مالیاتی دولت داشته باشد. هدف این پژوهش بررسی نقش حسابداری ذهنی در رفتار مالیاتی خویش‌فرمایان است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های پیمایشی است و جامعه آماری پژوهش را مؤدیان حقیقی استان فارس در سال ۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۸۴ مؤدی حقیقی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار R بیانگر این است که خویش‌فرمایان در استفاده از حسابداری ذهنی و محاسبات مربوط به مالیات با یکدیگر متفاوت هستند؛ از این رو، مالیات‌دهندگان حقیقی را می‌توان به دو گروه تفکیک‌کنندگان و یکپارچه‌کنندگان تقسیم کرد. همچنین نتایج بیانگر این است که بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، مالیات‌دهندگان با احتمال بیشتری برای مالیات بر ارزش افزوده، نسبت به مالیات بر درآمد، حساب ذهنی جداگانه در نظر می‌گیرند. افزون بر این، رابطه مثبتی بین دانش مالیاتی و استفاده از حسابداری ذهنی و همچنین بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده، در راستای تأمین درآمدهای مالیاتی دولت، توجه به عواملی مانند ارتقای دانش مالیاتی مؤدیان حقیقی که می‌تواند بر حسابداری ذهنی و تفکیک ذهنی مالیات قابل پرداخت از درآمد توسط آنها تأثیرگذار باشد، حائز اهمیت ویژه‌ای است

واژگان کلیدی: حسابداری ذهنی، خویش‌فرمایان، مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده، تمکین مالیاتی.

---

[1] استادیار حسابداری دانشگاه جهرم، (نویسنده مسئول)febrahimi@jahromu.ac.ir

[2] حسابرس ارشد مالیاتی، سازمان امور مالیاتی استان فارس (najafi_zahra00@yahoo.com)

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]

[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

۱-مقدمه

امروزه مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها، در اقتصاد هر کشوری نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. دولت‌ها با استفاده از انواع سیاست‌های مالیاتی می‌توانند در راستای تحقق مهم‌ترین اهداف خود همچون ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع مناسب درآمد و از بین بردن شکاف طبقاتی بین اقشار مختلف جامعه، تثبیت قیمت‌ها، کاهش بیکاری، رونق اقتصادی و نیز افزایش سرمایه‌گذاری از ابزار مالیات استفاده کرده و سیاست‌های مختلف اقتصادی خود را تنظیم کنند (بهشتی و رویایی، ۱۳۹۶). از این رو، مالیات از مظاهر حاکمیت دولت به شمار می‌رود و با اقتدار و تداوم بقای آن عجین است (عرب‌مازار، گل‌محمدی و باقری، ۱۳۹۰). حسابداری مالیاتی، به عنوان شاخه‌ای از حسابداری، بیانگر مسئولیت بزرگ حرفه حسابداری در تأمین اهداف نظام مالیاتی کشور است.

بخش مشاغل یکی از بخش‌های تأمین‌کننده مالیات است که به دلیل اهمیت و گستردگی می‌تواند سهم زیادی در تأمین درآمدهای مالیاتی دولت داشته باشد. عمده‌ترین ویژگی مؤدیان مالیاتی این بخش که با عنوان خویش‌فرمایان یا صاحبان مشاغل شناخته می‌شوند، استفاده از سرمایه و نیروی کار خود و بعضاً بکارگیری یک یا دو دستیار می‌باشد. این دسته از مؤدیان مالیاتی در استخدام کسی نیستند و فعالیت‌های اقتصادی آنها نیز شکل شرکت ندارد. در نظام مالیاتی ایران، برقراری مالیات بر اشخاص حقیقی یا خویش فرمایان همواره با مشکلاتی روبرو بوده است و به دلیل عدم کارایی نظام مالیاتی کشور سهم پایینی از درآمدهای مالیاتی به این نوع مالیات اختصاص یافته است (عرب مازار و دهقانی، ۱۳۸۸).

نظر به اهمیت بخش مشاغل در نظام مالیاتی کشور، تأکید پژوهش حاضر بر خویش‌فرمایان است. این دسته از مالیات‌دهندگان هم از دیدگاه تحقیقاتی و هم از دیدگاه نظام مالیاتی حائز اهمیت ویژه‌ای هستند. این افراد عموماً به دلیل فرصت بیشتر برای فرار مالیاتی و تمایل بالاتر برای پذیرش ریسک مالی ذاتی فرار مالیاتی، نسبت به حقوق بگیران از تمکین مالیاتی کمتری برخوردار می‌باشند. افزون بر این، این نوع مالیات‌دهندگان باید چند نوع مالیات پرداخت کرده و مالیات‌های غیر مستقیمی مانند مالیات بر ارزش افزوده را وصول کنند. همچنین آنها باید فعالیت‌های مالی کسب و کارشان را خودشان اداره کنند. آنها باید درآمدها و هزینه‌های خود را سازمان‌دهی و مجموعه‌ای از صورتحساب‌ها را صادر و نگهداری و اظهارنامه‌های مالیاتی خود را با کمک یا بدون کمک یک کارشناس مالیاتی، که عموماً یک حسابدار حرفه‌ای است، برای ایفای تعهد خود به سازمان امور مالیاتی تهیه کنند. چنین خودمدیریتی نیازمند توانایی در دفترداری، دانش در مورد قوانین مالیاتی و درجاتی از خودکنترلی است. این موضوع باعث می‌شود که بخشی از ادبیات حسابداری ذهنی که به عنوان مجموعه‌ای از عملیات شناختی برای نگهداری زنجیره‌ای

از فعالیت‌های مالی یک شخص و به عنوان یک استراتژی برای مدیریت پول و غلبه بر مشکلات کنترل فردی در خرج کردن تعریف می‌شود، به استفاده از حسابداری ذهنی توسط خویش‌فرمایان اختصاص داشته باشد (اولسن، کاسپر، کوگلر، موهلباچر، کیرچلر، ۲۰۱۹). پژوهش‌های معدودی (آدامز و وبلی، ۲۰۰۱؛ موهلباچر و کیرچلر، ۲۰۱۳؛ موهلباچر، هارتل و کیرچلر، ۲۰۱۷؛ اولسن و همکاران، ۲۰۱۹) که در این زمینه انجام شده است بیانگر این است که خویش‌فرمایان در استفاده از حسابداری ذهنی متفاوت بوده و حسابداری ذهنی با تمکین مالیاتی رابطه دارد. به عبارت دیگر، خویش‌فرمایان در صورت استفاده از یک حساب ذهنی جداگانه برای پرداخت‌های آتی مالیات بر درآمد یا مالیات بر ارزش افزوده وصول شده، نسبت به سایر مالیات‌دهندگان راحت‌تر و صحیح‌تر مالیات خود را اظهار می‌کنند. نظر به اینکه تأکید پژوهش‌های پیشین بیشتر بر عوامل اقتصادی مؤثر بر تمکین مالیاتی بوده و کمتر به عوامل روانشناختی مؤثر بر آن پرداخته شده (خواجوی و کرمشاهی، ۱۳۹۷)، این پژوهش می‌تواند منجر به گسترش دانش در حوزه تمکین مالیاتی گردد. همچنین نظر به پیوند ناگسستنی حسابداری و مالیات و این موضوع که بسیاری از مشاوران مالیاتی حسابداران حرفه‌ای هستند، شناخت حسابداران از اینکه مؤدیان محاسبات مربوط یه پرداخت مالیات را چگونه در ذهن خود انجام می‌دهند، می‌تواند در تصمیم‌گیری آنها در مشاوره مالیاتی و نیز کمک رسانی به دولت در جهت ارتقای تمکین مالیاتی مفید باشد. از این رو، این پژوهش منجر به گسترش دانش در حوزه حسابداری مالیاتی نیز می‌گردد.

بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که: "حسابداری ذهنی چه نقشی در تصمیم‌گیری خویش‌فرمایان ایفا می‌کند؟". از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی تفاوت‌های خویش‌فرمایان در استفاده از حسابداری ذهنی و همچنین بررسی وجود تفاوت احتمالی در تفکیک ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده است. علاوه بر این به بررسی رابطه دانش مالیاتی و استفاده از حسابداری ذهنی و همچنین رابطه حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی پرداخته می‌شود.

بدین منظور، نخست به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش و فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود؛ سپس روش‌شناسی پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان نیز تجزیه و تحلیل یافته‌ها، نتایج پژوهش، پیشنهادها و محدودیت‌ها ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

■ حسابداری ذهنی

واژه حسابداری ذهنی نخستین بار توسط استاد دانشگاه شیکاگو، ریچارد تالر، اینگونه توصیف شد: تمایل افراد به کدگذاری، طبقه‌بندی و ارزیابی پیامدهای اقتصادی از طریق گروه‌بندی

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

امتیازات آنها در مجموعه‌ای از حساب‌های ذهنی (تالر، ۱۹۸۵). در سال ۱۹۹۹ وی تعریف جدیدی ارائه نمود و حسابداری ذهنی را به عنوان مجموعه‌ای از عملیات شناختی استفاده شده به وسیله افراد و خانوارها برای سازمان‌دهی، ارزیابی و پیگیری فعالیت‌های مالی تعریف نمود (تالر، ۱۹۹۹). وی در تبیین حسابداری ذهنی بیان کرد که همانطور که شرکت‌ها از حسابداری مالی و مدیریت برای ثبت، تلخیص، طبقه‌بندی و گزارش‌دهی جنبه‌های مالی فعالیت‌های خود استفاده می‌کنند، افراد و خانوارها نیز از حسابداری ذهنی برای ردیابی وجوه و کنترل مخارج خود استفاده می‌کنند. حسابداری ذهنی به عنوان نوعی سوگیری شناختی افراد را وادار می‌کند با پول‌های متفاوت بر اساس مکانی که این مقادیر از نظر ذهنی طبقه‌بندی شده‌اند (مثلاً راه بدست آوردن این مبالغ (کار، فعالیت، ارث، پاداش و هدیه و...)) یا ماهیت موارد استفاده از پول (استفاده برای مصارف تفریحی، استفاده برای رفع مایحتاج و...) رفتار غیرعقلایی از خود نشان دهند (پمپین، ۱۳۸۸/۱۹۶۳)

اگرچه نگهداری حساب‌های ذهنی در بعضی مواقع منجر به رفتارهای غیرمنطقی می‌گردد، یکی از کارکردهای مهم آن اعمال کنترل روی هزینه‌ها است. حسابداری ذهنی در بسیاری از مواقع باعث می‌شود که افراد در مورد برخی از مصارفی که تمایل به آن دارند افراط نکنند و مقدار کافی پول برای مصارف با جذابیت کمتر اما ضروری نگه دارند. برای مثال کنار گذاشتن و پس‌انداز کردن پول برای دوره بازنشستگی ممکن است برخی خانوارها را از مصرف پیش از موقع آن وجوه باز دارد (پمپین، ۱۳۸۸/۱۹۶۳). در پژوهش‌های پیشین مثال‌ها و تفاسیر متعددی از حسابداری ذهنی ارائه شده که نمونه‌ای از آن به دلیل مربوط بودن به پژوهش حاضر ارائه شده است:

تورسکی و کانمن (۱۹۸۹) در مطالعه‌ای نمونه‌ای از کاربرد حسابداری ذهنی را نشان دادند. در این مطالعه نشان داده شد که تصمیمات مالی معین چگونه ممکن است به صورت مشترک و یکپارچه (مثل اینکه این تصمیمات به حساب ذهنی مشابهی مربوط هستند) یا جداگانه ارزیابی شوند. در این پژوهش به افراد مورد آزمون گفته شد، وجوهی را بابت یک بلیط تئاتر جدید بپردازند که قرار است جایگزین بلیط هم قیمتی که قبلاً خریداری و گم کرده‌اند، شود. در مرحله بعد قرار تغییر کرد و به افراد گفته شد فرض کنند آنها بلیط قبلی را گم نکرده ولی در عوض معادل قیمت آن مبلغ پولی را گم کرده‌اند و در نتیجه فکر خرید بلیط برای نخستین بار مطرح می‌شد. در این حالت اکثر آنها تصمیم به پرداخت بابت خرید بلیط گرفتند. این دو پژوهشگر نتیجه گرفتند که در مورد اول افراد از دست دادن بلیط و پرداخت بابت خرید بلیط جدید را در حساب ذهنی مشابهی مورد ارزیابی قرار می‌دهند، گم کردن یک بلیط و پول دادن بابت یک بلیط جدید نشان‌دهنده دو زیان است که بطور متوالی بر فرد تحمیل شده است و هر دو در گروه مشابهی طبقه‌بندی شده است. در حالی که از دست دادن وجوه نقد واقعی و خرید بلیط، دو

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

حساب هستند که به طور مجزا مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. بنابراین وقتی همان زیان از دو حساب متفاوت پرداخت می‌شود، فرد آن را کمتر احساس می‌کند.

در ایران پژوهش‌های معدودی در حوزه حسابداری ذهنی انجام شده است. برای نمونه، بیات و قادری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی قیمت مرجع و اثرات حسابداری ذهنی بر عملکرد پرتفوی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۵۰ مشتری حقوقی و۵۰ مشتری حقیقی بود که در بازه زمانی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ پژوهش در بازار بورس اوراق بهادار تهران سرمایه‌گذاری کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که قیمت فروش با قیمت میانگین رابطه دارد و سرمایه‌گذاران با آلفای منفی، سوگیری رفتاری بیشتری دارند.

اولی، نیکومرام، جهانشاد و پورزمانی (۱۳۹۶) در پژوهشی از مدل میانگین واریانس مارکویتز و ورود دارایی بدون ریسک به محدودیت این مدل، مدل قیمت‌گذاری دارایی سرمایه‌ای را استخراج کرده و سپس با ایجاد یک هم‌ارزی ریاضی میان اجزای این الگو با محدودیت مسئله حسابداری ذهنی، مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در چارچوب حسابداری ذهنی را ارائه کردند. در این مدل، بازده مورد انتظار سرمایه‌گذار برای هر هدف که در قالب حساب‌های ذهنی ارائه می‌شود، تابعی از بازده دارایی بدون ریسک، بتا و صرف ریسک حساب ذهنی بوده و این صرف ریسک حساب ذهنی معادل اختلاف بازده هر حساب با بازده دارایی بدون ریسک می‌باشد. نرخ بازده مورد انتظار دارایی‌ها در مدل ارائه شده، متأثر از بازده آستانه‌ای و احتمال شکست در رسیدن به این سطح آستانه یا به عبارتی ریسک حساب ذهنی بود.

کیان، پورحیدری و کامیابی (۱۳۹۶) در پژوهشی به تبیین نقش حسابداری ذهنی در گزارشگری مالی از دیدگاه سرمایه‌گذاران پرداختند. آنها نمونه آماری متشکل از ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴- ۱۳۸۵ را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج پژوهش بیانگر اثر تعدیلی گزارش زیان بر ارتباط بین سود خالص و قیمت سهام است که انتظار می‌رود در راستای تأیید نظریه حسابداری ذهنی در صورت سود و زیان باشد.

دیانتی دیلمی، بلوطی و داروند (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تصمیم‌گیری خرید آنلاین مبتنی بر ارزش از دیدگاه تئوری حسابداری ذهنی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که قیمت درک شده و ریسک، تأثیر منفی بر پارامترهای ارزش و نیز قصد خرید خریداران اینترنتی دارند. اما راحتی خرید تأثیر مثبت بر ارزش درک شده و نیز بر قصد خرید خریداران اینترنتی دارد. ارزش درک شده نیز تأثیر مثبتی، تنها بر قصد خرید خریداران اینترنتی دارد. لذت خرید تأثیری بر ارزش درک شده خریداران اینترنتی نداشته ولی با قصد خرید رابطه مثبت دارد. از سوی دیگر، راحتی خرید خریداران اینترنتی از طریق متغیر میانجی ارزش درک شده، بر قصد

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

خرید تأثیر مثبت دارد. ولی قیمت درک شده و ریسک درک شده از خرید، از طریق متغیر میانجی ارزش درک شده بر قصد خرید تأثیر منفی دارند.

کیان، پورحیدری و کامیابی (۱۳۹۷) به بررسی رفتار مدیران در بکارگیری تئوری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان پرداختند. این پژوهش به روش پیمایشی و در محیط آزمایشگاهی از طریق پرسشنامه بین ۶۷ نفر از مدیران مالی شرکت‌کننده در دوره‌های استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی در سال ۱۳۹۵ انجام پذیرفت. در این پژوهش مجموعه‌ای از آزمایش‌های مرتبط با تفکیک یا تجمیع اطلاعات سود و زیان فروش دارایی ثابت به منظور بررسی این نکته که آیا ترجیح مدیران مالی از پیش‌بینی‌های نظریه حسابداری ذهنی پیروی می‌کند یا خیر، مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ترجیح مدیران برای تفکیک نشان دهنده حسابداری ذهنی می‌باشد.

پارسایی و ملانظری (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر منبع تأمین مالی بر تصمیمات بودجه‌بندی سرمایه‌ای پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مدیران تمایل کمتری به کنارگذاری دارایی تأمین مالی شده از طریق استقراض نسبت به دارایی مشابه تأمین مالی شده از طریق سرمایه دارند. علت این تمایل کمتر، تا حدی به دیدگاه افراد در خصوص منافع عاید شده از دارایی بازمی‌گردد. این پژوهش نشان می‌دهد یک عامل روان‌شناختی ممکن است مدیران را از سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که طبق تکنیک‌های بودجه‌بندی سرمایه‌ای بایستی آن‌ها را پذیرفت، بازدارد.

صابری، دارابی و حمیدیان (۱۳۹۸) به ارائه پرتفوی بهینه در فضای حباب سوداگری بر اساس حسابداری ذهنی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش حسابداری ذهنی بر اساس مدل رفتاری فرناندز به عنوان متغیر تعدیلگر و معیار شارپ، ترینر و جنسن به عنوان شاخص سنجش ریسک و حباب سوداگرانه مبتنی بر الگوی گیلیوم در نظر گرفته شد. نتایج حاکی از آن است که میانگین بازدهی پرتفوی در فضای حباب سوداگری در سطح معینی از ریسک، بزرگ‌تر از بازدهی پرتفوی بدون حباب بر اساس حسابداری ذهنی است. همچنین ادعای فرضیه دوم مبنی بر بزرگ‌تر بودن میانگین ریسک پرتفوی در فضای حباب سوداگری در سطح معینی از بازده از ریسک پرتفوی بدون حباب بر اساس حسابداری ذهنی مورد پذیرش واقع گردید.

■حسابداری ذهنی و مالیات

در پژوهش‌های پیشین مفهوم حسابداری ذهنی برای تشریح رفتار مرتبط با جنبه‌های مختلف مالیات به کار رفته است. برای نمونه، جکسون، شوماخر، باریک و بورتن (۲۰۰۵) با بررسی حدود

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

هفتاد اظهارنامه مالیاتی بیان نمودند که مالیات‌دهندگانی که استرداد مالیاتی دریافت می‌کنند نسبت به مالیات‌دهندگانی که مبالغ اضافی مالیات بدهکار می‌شوند، به تهیه‌کننده اظهارنامه حق‌الزحمه بالاتری پرداخت می‌کنند. آنها نشان دادند که مطابق با تئوری حسابداری ذهنی، انتظار استرداد مالیاتی منجر به تمایل بیشتر برای پرداخت حق‌الزحمه‌های بالاتر می‌گردد. به دلیل اینکه حق‌الزحمه تهیه‌کننده اظهارنامه و استرداد مالیاتی مورد انتظار در یک حساب ذهنی واحد طبقه‌بندی می‌شود، مبلغ حق‌الزحمه به صورت ذهنی از استرداد مالیاتی کسر می‌گردد. از این رو، پرداخت مالیات اضافی در اظهارنامه‌هایی که توسط افراد حرفه‌ای تهیه می‌شود احتمالاً با قصد صورت می‌گیرد.

چمپرز و اسپنسر (۲۰۰۸) در پژوهشی با استفاده از سناریوهای انتخاب فرضی به این نتیجه رسیدند که استرداد مالیاتی ماهانه عموماً برای مخارج روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که استرداد مالیاتی سالیانه که به صورت یکجا دریافت می‌شود با احتمال بیشتری پس انداز شده یا برای پرداخت بدهی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پژوهش‌های اندکی در مورد نقش حسابداری ذهنی در تمکین مالیاتی انجام شده است. برای نمونه، آدامز و وبلی (۲۰۰۱) در پژوهشی که در آن با خویش‌فرمایان مصاحبه کردند، شواهدی از رابطه حسابداری ذهنی با تمکین مالیاتی بدست آوردند. این پژوهش در ابتدا دارای حوزه متفاوتی بود اما اظهارات تعدادی از افراد مورد آزمون موجب شد که پژوهشگران به این نتیجه برسند که تفاوت‌ها در کاربرد حسابداری ذهنی می‌تواند نگرش مالیات‌دهندگان در مورد مالیات بر ارزش افزوده و رفتار تمکین مالیاتی آنها را توضیح دهد. تعداد زیادی از افراد مورد آزمون اظهار کردند: "مالیات بر ارزش افزوده برای کسب و کار ما یک هزینه نیست، ما تنها این پول را برای دولت نگهداری می‌کنیم. هیچ نگرانی برای پرداخت وجود ندارد. این پول آنها است." این افراد در ذهن خود مالیات بر ارزش افزوده را از سود تفکیک کرده و تمکین مالیاتی داوطلبانه‌ای را اظهار می‌کردند. به عبارت دیگر این گروه حساب ذهنی جداگانه‌ای برای پرداخت‌های مالیات در آینده نگهداری می‌کنند (تفکیک ذهنی). در مقابل تعداد دیگری از افراد مورد آزمون مالیات بر ارزش افزوده را به عنوان یک تکلیف کاهنده سود تلقی کرده و همه معاملات تجاری خود را در یک حساب ذهنی واحد سازمان‌دهی می‌کردند (یکپارچگی ذهنی).

اشبی و وبلی (۲۰۰۸ الف، ۲۰۰۸ ب) در پژوهشی با مصاحبه از آرایشگران و رانندگان تاکسی به مطالعه تمکین مالیاتی و تمایل آنها به گزارش انعام به عنوان درآمد پرداختند. اکثر افراد مورد آزمون به تمکین مالیاتی پایین اعتراف کردند و بیشتر آنها انعام را به عنوان هدیه‌ای از مشتریان خود در نظر می‌گرفتند و به صورت ذهنی این پول را به عنوان درآمد مشمول مالیات طبقه‌بندی نمی‌کردند.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

موهلباچر و کیرچلر (۲۰۱۳) به نتایج مشابه نتایج آدامز و وبلی (۲۰۰۱) دست یافتند. در این پژوهش خویش‌فرمایان اتریشی در مورد مدیریت پول و اداره کردن مالیات مورد مصاحبه قرار گرفتند. اکثر افراد مورد آزمون در ذهن خود مالیات قابل پرداخت را از درآمد تفکیک کردند. برای نمونه، بیشتر آنها اظهار کردند که: "بر اساس سال قبل، تقریباً می‌دانم که چه مقدار پول باید برای مالیات کنار بگذارم." تعداد دیگری از افراد مورد آزمون حساب ذهنی جداگانه‌ای برای مالیات نگهداری نمی‌کردند. برای نمونه، آنها اظهار کردند که: "هنگام کسب درآمد، پرداخت مالیات آن به ذهن من خطور نمی‌کند.". نتایج بیانگر این است که تفکیک ذهنی رابطه مثبتی با سن، نگرش مثبت نسبت به مالیات و تمکین مالیاتی گزارش شده توسط افراد مورد آزمون دارد.

موهلباچر و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی رابطه حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی به این نتیجه رسیدند که مطابق با تئوری چشم انداز، تفکیک ذهنی مالیات قابل پرداخت از سود خالص بر نقطه مرجع مالیات‌دهنده در تصمیم تمکین مالیاتی تأثیرگذار بوده و منجر به تمکین مالیاتی بالاتر می‌شود. همچنین نتایج پژوهش بیانگر این است که تمایل افراد به تفکیک ذهنی مالیات قابل پرداخت و سود خالص رابطه مثبتی با جنسیت، سن، نگرش نسبت به پرداخت مالیات و تجربه دارد.

اولسن و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از ابزار پرسشنامه به بررسی استفاده خویش‌فرمایان از حسابداری ذهنی برای مدیریت تعهدات مالیات بر درآمد و ارزش افزوده، رابطه بین دانش مالیاتی، ویژگی‌های شخصیتی و کسب و کار با حسابداری ذهنی و رابطه بین حسابداری ذهنی و فرار مالیاتی و همچنین برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر این است که تعدادی از مالیات‌دهندگان در ذهن خود مالیات را از فروش تفکیک کرده در حالی که سایرین این دو را یکپارچه در نظر می‌گیرند. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که تفاوت اندکی بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده وجود دارد. افزون بر این نتایج پژوهش نشان داد که تفکیک ذهنی مالیات با تکانشگری[1] رابطه منفی و با نگرش نسبت به مالیات و موفقیت کسب و کار رابطه مثبت دارد. همچنین حسابداری ذهنی با قصد فرار مالیاتی رابطه ندارد اما حسابداری ذهنی رابطه مثبتی با برنامه‌ریزی مالیاتی دارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش، مطابق با مبانی نظری و ادبیات پژوهش جهت دستیابی به اهداف پژوهش فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شد:

[1]- Impulsivity

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

پژوهش‌های پیشین (آدامز و وبلی، ۲۰۰۱؛ موهلباچر و کیرچلر، ۲۰۱۳؛ موهلباچر و همکاران، ۲۰۱۷؛ اولسن و همکاران، ۲۰۱۹) بیانگر این است که خویش‌فرمایان در استفاده از حسابداری ذهنی با یکدیگر متفاوت هستند. این پژوهش‌ها مالیات‌دهندگان حقیقی را به دو گروه تفکیک‌کنندگان[1] ویکپارچه‌کنندگان[2] تقسیم کرده‌اند. تفکیک‌کنندگان عبارتند از مالیات‌دهندگانی که در ذهن خود مالیات قابل پرداخت را از درآمد تفکیک کرده و حساب ذهنی جداگانه‌ای برای مالیات نگهداری می‌کنند. در مقابل یکپارچه‌کنندگان عبارتند از مالیات‌دهندگانی که مالیات قابل پرداخت و درآمد را در حساب ذهنی واحدی نگهداری کرده و مالیات را به عنوان قسمتی از درآمد خود در نظر می‌گیرند. از این رو، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر ارائه می‌شود:

فرضیه اول: خویش‌فرمایان در استفاده از حسابداری ذهنی با یکدیگر متفاوت هستند.

در پژوهش‌های پیشین (اولسن و همکاران، ۲۰۱۹) این دیدگاه مطرح شده است که استفاده از حسابداری ذهنی بستگی به نوع مالیات دارد. بر اساس این دیدگاه مالیات‌دهندگان با احتمال بیشتری برای مالیات بر ارزش افزوده، نسبت به مالیات بر درآمد، حساب ذهنی جداگانه در نظر می‌گیرند. این استدلال وجود دارد که تعیین مالیات بر ارزش افزوده نسبتاً ساده بوده و معمولاً به صورت واضحی بر روی صورت‌حساب فروش مشخص می‌شود و این ادراک وجود دارد که توسط مشتری پرداخت می‌شود. این عوامل می‌تواند در تفکیک ذهنی مالیات بر ارزش افزوده نقش مهمی را ایفا کند. در مقابل، مالیات بر درآمد به وسیله مالک واحد تجاری پرداخت می‌شود و تفکیک پرداخت‌های مالیات بر درآمد آینده، به دلیل دشواری در تعیین مبنای مالیاتی، دشوارتر است. از این رو، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر ارائه می‌شود:

فرضیه دوم: بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده تفاوت معناداری وجود دارد.

تعیین میزان صحیح مالیات توسط خویش‌فرمایان نیازمند دانش گسترده‌ای از قوانین مالیاتی است. انتظار بر این است که دانش مالیاتی بر روی برخی از جنبه‌های حسابداری ذهنی (برای مثال، کنار گذاشتن مقدار کافی پول برای پرداخت مالیات در آینده) تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر، انتظار بر این است که خویش‌فرمایان با دانش مالیاتی بالاتر با احتمال بیشتری از یک حساب ذهنی جداگانه برای پرداخت‌های آتی مالیات بر درآمد یا مالیات بر ارزش افزوده وصول شده استفاده کرده و دانش مالیاتی به آنها کمک کند که در ذهن خود مالیات قابل پرداخت را از درآمد تفکیک کنند. از این رو، فرضیه سوم پژوهش به صورت زیر ارائه می‌شود:

فرضیه سوم: دانش مالیاتی رابطه مثبتی با حسابداری ذهنی دارد.

---

[1]- Segregator
[2]- Integrator

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

شواهد بدست آمده از پژوهش‌های پیشین (آدامز و وبلی، ۲۰۰۱؛ موهلباچر و کیرچلر، ۲۰۱۳؛ موهلباچر و همکاران، ۲۰۱۷؛ اولسن و همکاران، ۲۰۱۹) بیانگر این است که نگهداری یک حساب جداگانه برای مالیات قابل پرداخت موجب افزایش تمکین مالیاتی می‌گردد. این رابطه را می‌توان توسط تئوری چشم‌انداز تشریح کرد. مطابق با این تئوری، این فرض وجود دارد که پیامدهای تصمیم با توجه به یک نقطه مرجع ارزیابی می‌شوند که این نقطه تابع ارزش را به دو ناحیه سود و زیان تقسیم می‌کند. نقطه مرجع ممکن است موقعیت دارایی، یک انتظار یا یک محرک خارجی فراهم شده به وسیله چارچوب تصمیم باشد. از این رو، این موضوع که کدام پیامد به عنوان زیان در نظر گرفته می‌شود، یک موضوع بسیار ذهنی است. به طور کلی، به این دلیل که تابع ارزش تئوری چشم‌انداز برای زیان‌ها نسبت به سودها شیب کمتری دارد و به دلیل حساسیت رو به کاهش در هر دو ناحیه، انتظار سود منجر به انتخاب‌های ریسک‌گریزانه می‌گردد، در حالی که تهدید زیان، تمایل برای ریسک‌پذیری را افزایش می‌دهد (موهلباچر و همکاران، ۲۰۱۷).

حسابداری ذهنی می‌تواند نقش کلیدی در تعیین اینکه کدام نقطه در تصمیمات تمکین مالیاتی به عنوان نقطه مرجع به کار رود، ایفا نماید. نگهداری یک حساب ذهنی جداگانه برای مالیات قابل پرداخت و تفکیک آن از درآمد به این معنی است که سود خالص مورد انتظار به عنوان نقطه مرجع به کار می‌رود. از این منظر، فرار مالیاتی موجب ایجاد افزایش در سود خالص می‌شود، همچنین منجر به ایجاد زیانی رنج‌آور در موارد حسابرسی و اعمال جریمه می‌شود. در مقابل در یکپارچگی ذهنی مالیات قابل پرداخت و درآمد، سود ناخالص به عنوان نقطه مرجع به کار برده می‌شود و پرداخت مالیات به منزله زیان در نظر گرفته می‌شود که با فرار مالیاتی می‌توان این زیان را جبران نمود. زمانی که سود ناخالص به عنوان نقطه مرجع در نظر گرفته می‌شود، ریسک پرداخت جریمه در حسابرسی کمتر تهدید کننده به نظر می‌رسد (موهلباچر و همکاران، ۲۰۱۷). از این رو می‌توان انتظار داشت که تمکین مالیاتی در تفکیک‌کنندگان مالیاتی نسبت به یکپارچه کنندگان مالیاتی بیشتر باشد. بنابراین، فرضیه چهارم پژوهش به صورت زیر ارائه می‌گردد:

فرضیه چهارم: حسابداری ذهنی رابطه مثبتی با تمکین مالیاتی دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش تبیین نقش حسابداری ذهنی در تشریح رفتار مالیاتی خویش‌فرمایان است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه پژوهش، توصیفی-پیمایشی و با در نظر گرفتن معیار زمان مقطعی است. در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را مؤدیان حقیقی استان فارس در سال ۱۳۹۸ تشکیل

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

می‌دهند. با توجه به اینکه تعداد جامعه آماری این پژوهش نامشخص فرض شده است، برای محاسبه حجم نمونه در جامعه نامشخص از رابطه (۲) استفاده شد. همچنین انحراف معیار (δ) برای داده‌های طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از رابطه (۱) محاسبه شده است (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹). با توجه به رابطه (۲) حجم نمونه حدود ۱۷۰ نفر بدست می‌آید.

$$\delta = \frac{\max(x_i) - \min(x_i)}{۶} = \frac{۵-۱}{۶} = ۰/۶۶۷ \qquad (۱)$$

$$n = \frac{z^{۲}_{\alpha/۲}\delta^{۲}}{\varepsilon^{۲}} = \frac{(۱/۹۶)^{۲}(۰/۶۶۷)^{۲}}{(۰/۱)^{۲}} = ۱۷۰ \qquad (۲)$$

در این پژوهش از نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد و از مجموع ۲۶۰ پرسشنامه توزیع شده بین اعضای جامعه آماری در نهایت ۱۸۴ پرسشنامه صحیح جمع‌آوری شد. در این پژوهش به منظور آماده‌سازی داده‌ها از نرم‌افزار Excel نسخه ۲۰۱۶ و از نرم‌افزار R نسخه ۳.۴.۱ به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل استفاده شد.

پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش حاوی دو بخش است؛ بخش اول شامل ۵ سؤال است که این سؤال‌ها اطلاعات جامعه‌شناختی شامل جنسیت، سطح تحصیلات، سن، تجربه کاری و شغل پاسخ‌دهندگان را ارائه می‌دهد. بخش دوم به سنجش سازه‌های دانش مالیاتی، حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی اختصاص دارد. به منظور سنجش این سازه‌ها از پرسشنامه ارائه شده توسط اولسن و همکاران (۲۰۱۹) استفاده شد. در این بخش از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که میزان موافقت خود را با هر گزاره بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (از ۱= بسیار کم تا ۵= بسیار زیاد) بیان نمایند.

پرسشنامه دانش مالیاتی، که حاوی ۸ پرسش است، به ارزیابی دانش مالیاتی پاسخ‌دهندگان بر مبنای ارزیابی شخص از صلاحیت در امور مالیاتی و میزان مشارکت آنها در حسابداری مالیاتی و همچنین تعامل با سازمان امور مالیاتی می‌پردازد. پرسشنامه حسابداری ذهنی، تمایل پاسخ‌دهندگان جهت به کارگیری حسابداری ذهنی در مالیات عمومی، مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده را مورد سنجش قرار می دهد. در این پرسشنامه ۷ گزاره به "فکر کردن در مورد مالیات"، ۶ گزاره به "پس‌انداز برای مالیات"، ۵ گزاره به حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و ۴ گزاره به حسابداری ذهنی مالیات بر ارزش افزوده اختصاص دارد. بخش چهارم نیز با تمایز قائل شدن بین تمکین مالیاتی داوطلبانه و اجباری به بررسی انگیزه تبعیت از قانون مالیات بر درآمد و همچنین مالیات بر ارزش افزوده در میان پاسخ‌دهندگان می‌پردازد. این بخش در مجموع شامل ۸ گزاره است.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

در این پژوهش به منظور حصول اطمینان از روایی از روش "روایی صوری" استفاده به عمل آمد و سؤال‌های پرسشنامه با نظر متخصصان و صاحب‌نظران در چندین مرحله اصلاح و نهایی شد. برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ سازه دانش مالیاتی ۹۰٪ و در سازه حسابداری ذهنی، ضرایب آلفای کرونباخ برای فکر کردن در مورد مالیات، پس انداز برای مالیات، مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده به ترتیب، ۷۳٪، ۶۸٪، ۶۷٪ و ۵۸٪ است و در نهایت ضرایب آلفای کرونباخ برای تمکین مالیاتی اختیاری و اجباری به ترتیب ۶۶٪ و ۶۵٪ می‌باشد.

۵- یافته‌های پژوهش

جدول ۱، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه شامل میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی را نشان می‌دهد. مطابق با این جدول تمکین مالی اختیاری دارای بیشترین و پس‌انداز برای مالیات دارای کمترین مقدار میانگین است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل سؤال‌های عمومی پرسشنامه نیز بیانگر این است که ۶۴٪ از پاسخ‌دهندگان مرد و بقیه زن هستند. همچنین، ۶٪ از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک تحصیلی دیپلم و پایین‌تر، ۱۵٪ دارای مدرک تحصیلی کاردانی، ۴۷٪ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و ۳۲٪ از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. میانگین سن و تجربه کاری پاسخ‌دهندگان نیز به ترتیب۴۰ و ۱۴سال است.

جدول ۱: آمار توصیفی سازه‌های پژوهش

سازه حسابداری ذهنی	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
فکر کردن در مورد مالیات	۳/۴۱	۰/۷۹	۰/۶۳	-۰/۱۶
پس‌انداز برای مالیات	۲/۸۴	۰/۸۱	۰/۴۷	۰/۴۹
مالیات بر درآمد	۳/۰۴	۰/۸۱	-۰/۴۳	-۰/۰۷
مالیات بر ارزش افزوده	۳/۰۱	۰/۸۶	-۰/۱۶	-۰/۵۸
دانش مالیاتی	۳/۳۱	۰/۹۷	-۰/۱۵	-۰/۲۰
تمکین مالیاتی اختیاری	۳/۵۹	۰/۸۷	-۰/۵۴	۰/۵۳
تمکین مالیاتی اجباری	۳/۵۷	۰/۸۸	-۰/۵۰	۰/۵۲

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول پژوهش بیانگر این است که خویش‌فرمایان در استفاده از حسابداری ذهنی با یکدیگر متفاوت هستند. برای آزمون این فرضیه این موضوع مورد آزمون قرار گرفت که آیا می‌توان افراد مورد آزمون را در دو گروه متمایز، شامل آن دسته از افرادی که دارای نمره بالایی در حسابداری ذهنی بوده (تفکیک‌کنندگان) و افرادی که دارای نمره پایینی در حسابداری ذهنی هستند

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

(یکپارچه‌کنندگان)، قرار داد؟

برای تعیین وجود یا عدم وجود تفاوت در استفاده از حسابداری ذهنی توسط خویش‌فرمایان از آزمون نرمال بودن شاپیرو فرانسیا و آزمون چندنمایی هارتینگانز دیپ استفاده شد. نتایج آزمون‌های شاپیرو فرانسیا، که در جدول ۲ ارائه شده است، بیانگر این است که در هر چهار عامل تشکیل دهنده حسابداری ذهنی، با توجه به اینکه معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، فرض نرمال بودن رد می‌شود؛ به عبارت دیگر چهار عامل فاقد توزیع نرمال هستند. همچنین مطابق با جدول ۲، نتایج آزمون هارتینگانز دیپ، که برای بررسی تک نما بودن مورد استفاده قرار می‌گیرد، بیانگر این است که با توجه به اینکه معناداری هر چهار عامل کمتر از ۰/۰۵ است، بیش از یک نما برای چهار عامل حسابداری ذهنی وجود دارد.

جدول ۲: نتایج حاصل از آزمون شاپیرو فرانسیا و هارتیگانز دیپ برای عوامل حسابداری ذهنی

سازه حسابداری ذهنی	آزمون شاپیرو فرانسیا		آزمون هارتینگانز دیپ	
	آماره W	معناداری	آماره D	معناداری
فکر کردن در مورد مالیات	۰/۹۶۴	۰/۰۰۲۶	۰/۰۶۲	۰/۰۰۰۷
پس‌انداز برای مالیات	۰/۹۷۱	۰/۰۰۸۹	۰/۰۵۸	۰/۰۰۲۲
مالیات بر درآمد	۰/۹۶۸	۰/۰۰۵۴	۰/۰۶۲	۰/۰۰۰۷
مالیات بر ارزش افزوده	۰/۹۷۱	۰/۰۰۹۶	۰/۰۷۳	۰/۰۰۰۱

افزون براین، به منظور تقویت یافته‌ها آزمون زیرگروه‌های بالقوه پنهان[1] برای هر چهار عامل حسابداری ذهنی مورد استفاده قرار گرفت. همانطور که در جدول ۳ نشان داده شده است، در این آزمون، سه راه حل تقسیم افراد مورد آزمون به یک، دو و سه دسته مورد آزمون قرار گرفت.

جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون زیرگروه‌های بالقوه پنهان

				حسابداری ذهنی			
راه حل	معیار اطلاعات بیزی	دسته	تعداد	فکر کردن در مورد مالیات	پس‌انداز برای مالیات	مالیات بر درآمد	مالیات بر ارزش افزوده
				میانگین	میانگین	میانگین	میانگین
یک دسته	۱۲۴۲/۳۴۶	دسته ۱	۱۸۴	۳/۴۱	۲/۸۴	۳/۰۴	۳/۰۱
دو دسته	۱۲۱۴/۵۲۹	دسته ۱	۱۰۶	۳/۴۲	۲/۷۹	۳/۰۹	۳/۱۲
		دسته ۲	۷۸	۳/۴۰	۲/۹۱	۲/۹۶	۲/۵۸
سه دسته	۱۲۳۶/۹۰۸	دسته ۱	۴۹	۳/۴۱	۲/۷۶	۲/۹۷	۳/۰۳
		دسته ۲	۵۷	۳/۳۸	۲/۸۱	۳/۱۳	۳/۰۵
		دسته ۳	۷۸	۳/۴۴	۲/۹۷	۲/۹۴	۲/۹۱

[1]Latent Profile Analyses

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

نظر به اینکه در این آزمون مقدار کمتر معیار اطلاعات بیزی[1] بیانگر برتری یک راه حل نسبت به سایر راه حل ها است، این نتیجه حاصل می شود که می توان افراد مورد آزمون را در دو گروه متمایز، شامل آن دسته از افرادیکه دارای نمره بالایی درحسابداری ذهنی بوده (تفکیک‌کنندگان) و افرادیکه دارای نمره پایینی در حسابداری ذهنی هستند (یکپارچه‌کنندگان)، قرار داد. از این رو، فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود.

فرضیه دوم پژوهش بیانگر این است که بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده تفاوت معناداری وجود دارد. به منظور آزمون این فرضیه ابتدا همبستگی بین دو سازه محاسبه شد و سپس آزمون t نمونه‌های همبسته انجام شد. مطابق با جدول ۵ ضریب همبستگی بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و حسابداری ذهنی مالیات بر ارزش افزوده ۰/۷۹ است که در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون t نمونه‌های همبسته نیز، که در جدول ۴ ارائه شده است، بیانگر این است که با توجه به میزان معناداری، بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و ارزش افزوده تفاوت معناداری وجود دارد. مقدار منفی تفاوت میانگین‌ها بیانگر این است که مالیات‌دهندگان با احتمال بیشتری برای مالیات بر ارزش افزوده، نسبت به مالیات بردرآمد، حساب ذهنی جداگانه درنظر می‌گیرند. از این رو، فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می‌شود.

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون t نمونه‌های همبسته

سازه‌ها	آماره t	تفاوت میانگین‌ها	معناداری
حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده	-۱۰/۳۴	-۱۳/۹۰	<۰/۰۰۱

فرضیه سوم پژوهش بیانگر این است که دانش مالیاتی رابطه مثبتی با حسابداری ذهنی دارد. برای سنجش دانش مالیاتی سه شاخص ارزیابی شخص ازصلاحیت در امورمالیاتی، میزان مشارکت وی در حسابداری مالیاتی و همچنین تعامل با سازمان امور مالیاتی مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۵: ضرایب همبستگی بین دانش مالیاتی و چهار عامل حسابداری ذهنی

سازه	صلاحیت در امور مالیاتی	فکر کردن در مورد مالیات	پس‌انداز برای مالیات	مالیات بر درآمد	مالیات بر ارزش افزوده
صلاحیت در امور مالیاتی	۱				
فکر کردن در مورد مالیات	۰/۷۸*	۱			
پس‌انداز برای مالیات	۰/۸۳*	۰/۸۵*	۱		
مالیات بر درآمد	۰/۷۹*	۰/۸۵*	۰/۹۰*	۱	
مالیات بر ارزش افزوده	۰/۴۵*	۰/۷۸*	۰/۸۳*	۰/۷۹*	۱

*معناداری ۰/۰۵>

[1]Bayesian Information Criterion

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

به منظور آزمون فرضیه سوم ضرایب همبستگی بین چهار عامل حسابداری ذهنی و سه شاخص ارزیابی دانش مالیاتی محاسبه شد. مطابق با نتایج ارائه شده در جدول ۵ و ۶ همه ضرایب همبستگی مثبت و معنادار هستند که بیانگر این است که دانش مالیاتی رابطه مثبتی با حسابداری ذهنی دارد. از این رو، فرضیه سوم پژوهش پذیرفته می‌شود.

جدول ۶: ضرایب همبستگی بین سایر شاخص‌های دانش مالیاتی و چهار عامل حسابداری ذهنی

سازه	مشارکت در حسابداری مالیاتی		تعامل با مقامات مالیاتی	
	ضریب همبستگی	معناداری	ضریب همبستگی	معناداری
فکر کردن در مورد مالیات	۰/۸۷	<۰/۰۰۱	۰/۴۲	۰/۰۰۷
پس‌انداز برای مالیات	۰/۷۸	<۰/۰۰۱	۰/۵۹	<۰/۰۰۱
مالیات بر درآمد	۰/۸۹	<۰/۰۰۱	۰/۴۳	۰/۰۰۸
مالیات بر ارزش افزوده	۰/۶۶	<۰/۰۰۱	۰/۷۱	<۰/۰۰۱

فرضیه چهارم پژوهش بیانگر این است که حسابداری ذهنی رابطه مثبتی با تمکین مالیاتی دارد. مطابق با جدول ۷ به منظور آزمون این فرضیه از ضرایب همبستگی استفاده به عمل آمد. نتایج بیانگر این است که رابطه مثبتی بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و تمکین مالیاتی اختیاری و اجباری و همچنین بین حسابداری ذهنی مالیات بر ارزش افزوده و تمکین مالیاتی اختیاری و اجباری وجود دارد. از این رو، فرضیه چهارم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود.

جدول ۷: ضرایب همبستگی بین حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی

سازه	تمکین مالیاتی اختیاری	تمکین مالیاتی اجباری	حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد	حسابداری ذهنی مالیات بر ارزش افزوده
تمکین مالیاتی اختیاری	۱			
تمکین مالیاتی اجباری	۰/۸۵*	۱		
حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد	۰/۶۸*	۰/۶۹*	۱	
حسابداری ذهنی مالیات بر ارزش افزوده	۰/۸۷*	۰/۷۸*	۰/۷۹*	۱

*معناداری ۰/۰۵>

۶- نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش حسابداری ذهنی در رفتار مالیاتی خویش فرمایان با استفاده از نمونه‌ای از مؤدیان حقیقی استان فارس بود. بدین منظور چهار فرضیه مطرح شد و به بررسی تفاوت‌های افراد در استفاده از حسابداری ذهنی و همچنین بررسی وجود تفاوت در تفکیک ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده پرداخته شد. علاوه بر این رابطه دانش مالیاتی و

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

استفاده از حسابداری ذهنی و همچنین رابطه حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اول بیانگر این است که خویش‌فرمایان در استفاده از حسابداری ذهنی با یکدیگر متفاوت هستند و مالیات‌دهندگان حقیقی را می‌توان به دو گروه تفکیک‌کنندگان و یکپارچه‌کنندگان تقسیم کرد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های آدامز و وبلی (۲۰۰۱)، موهلباچر و کیرچلر (۲۰۱۳)، موهلباچر و همکاران، (۲۰۱۷) و اولسن و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم بیانگر این است که بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، مالیات‌دهندگان با احتمال بیشتری برای مالیات بر ارزش افزوده، نسبت به مالیات بر درآمد، حساب ذهنی جداگانه در نظر می‌گیرند. نتایج پژوهش اولسن و همکاران (۲۰۱۹) بیانگر این است که تفاوت اندکی بین حسابداری ذهنی مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده وجود دارد.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه سوم بیانگر این است که دانش مالیاتی رابطه مثبتی با حسابداری ذهنی دارد که با نتایج پژوهش اولسن و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد. به عبارت دیگر خویش‌فرمایان با دانش مالیاتی بالاتر با احتمال بیشتری از یک حساب ذهنی جداگانه برای پرداخت‌های آتی مالیات بر درآمد یا مالیات بر ارزش افزوده وصول شده استفاده کرده و دانش مالیاتی به آنها کمک می‌کند که در ذهن خود مالیات قابل پرداخت را از درآمد تفکیک کنند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم نیز بیانگر این است که حسابداری ذهنی رابطه مثبتی با تمکین مالیاتی دارد. به عبارت دیگر مطابق با تئوری چشم‌انداز و نقش حسابداری ذهنی در تعیین نقطه مرجع در تصمیمات تمکین مالیاتی، تمکین مالیاتی در تفکیک‌کنندگان مالیاتی نسبت به یکپارچه‌کنندگان مالیاتی بیشتر است. این نتایج با نتایج پژوهش‌های آدامز و وبلی (۲۰۰۱)، موهلباچر و کیرچلر (۲۰۱۳)، موهلباچر و همکاران (۲۰۱۷) و اولسن و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌گردد که به منظور ارتقای تمکین مالیاتی صاحبان مشاغل توجه ویژه‌ای به بحث آموزش و گسترش دانش مالیاتی آنها صورت گیرد. این آموزش می‌تواند از طریق رسانه‌ها، گنجاندن مباحث مرتبط با ارتقای دانش مالیاتی دانشجویان در تمام رشته‌های دانشگاهی و یا از طریق سازمان امور مالیاتی صورت گیرد. همچنین نظر به رابطه مثبت حسابداری ذهنی و تمکین مالیاتی، توجه به سایر عوامل مؤثر بر تفکیک ذهنی مالیات قابل پرداخت از درآمد در جهت ارتقای تمکین مالیاتی حائز اهمیت است که این مهم از طریق انجام پژوهش‌هایی در این زمینه تحقق می‌یابد. از این رو به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در رابطه با تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و تجاری اثرگذار بر تفکیک ذهنی مالیات قابل پرداخت و

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

درآمد انجام دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در سایر استان‌ها نیز انجام شود تا بتوان نتایج را به کل جامعه تعمیم داد.

پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌ها با محدویت‌هایی مواجه است؛ برای نمونه، استفاده از ابزار پرسشنامه دارای محدودیت‌های ذاتی مانند عدم وجود یکنواختی در پاسخ‌ها، عدم کنترل پژوهشگر نسبت به پاسخ‌ها و محافظه‌کاری بعضی از پاسخ‌دهندگان در پاسخگویی به سؤال‌های پرسشنامه است. علاوه بر این در مورد رابطه بین تمکین مالیاتی گزارش شده توسط پاسخ‌دهنده و تمکین مالیاتی واقعی تردیدهایی وجود دارد، اگرچه برخی پژوهش‌ها (هایت، ۱۹۸۸) به شواهدی در مورد وجود رابطه مثبت بین قصد تمکین مالیاتی و تمکین مالیاتی واقعی دست یافته‌اند.

۷- تقدیر و تشکر و ملاحظه های اخلاقی

بدینوسیله مراتب تشکرو قدردانی خود را ازپاسخ دهندگان به پرسشنامه تحقیق ابراز می داریم.

۸- پیوست:

سؤال‌های عمومی

۱. جنسیت: الف. زن □ ب. مرد□

۲. سطح تحصیلات:

الف. دیپلم و پایین‌تر □ ب. فوق دیپلم □ ج. لیسانس□ د. فوق لیسانس و بالاتر□

۳. سن: ..... سال ۴. شغل : ..... ۵. تجربه کاری: ..... سال

سؤال‌های تخصصی

لطفاً هریک از گزاره‌های زیر را با دقت خوانده و سپس میزان موافقت خود را بر اساس مقیاس زیر مشخص فرمایید.

۱. من فکر می‌کنم که در مورد مالیات سررشته دارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۲. من فکر می‌کنم که توانایی پر کردن اظهارنامه مالیاتی خود را دارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۳. هنگامی که یک دوست از من در مورد یک موضوع مالیاتی سؤال می‌کند، فکر می‌کنم که توانایی دادن پاسخ مناسب به او را دارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

۴. من همه تاریخ‌های مهم مربوط به مالیات را می‌دانم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۵. من می‌دانم که چه قدر مالیات باید پرداخت کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۶. آیا تاکنون اظهارنامه مالیاتی خودتان را پر کرده‌اید؟

☐لی ☐یر

اگر پاسخ شما بلی است، لطفاً آخرین اظهارنامه‌ای را که پر کرده اید به خاطر آورده و بیان کنید که:

۱.۶. تا چه اندازه توانایی انجام این کار را داشتید؟

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۲.۶. تا چه اندازه از معافیت‌هایی که شامل شما می‌شد اطلاع داشتید؟

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۳.۶. تا چه اندازه قادر بودید که به طور صحیح مقدار معافیت‌ها را محاسبه کنید؟

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۷. معمولاً چه کسی اظهارنامه مالیاتی شما را تهیه می‌کند؟

خودم☐ خودم و مشاور مالیاتی☐ خودم و کارمندم ☐

مشاور مالیاتی من☐ کارمندم ☐ سایر☐

۸. آیا شما در طی سه سال اخیر مورد رسیدگی مالیاتی قرار گرفته اید یا با اداره مالیاتی در مورد موضوع مالیاتی دیگری در ارتباط بوده اید؟ بلی ☐ خیر☐

اگر پاسخ شما بلی است، این موضوع در مورد چه چیزی بوده است؟

من مورد رسیدگی قرار گرفتم☐

من باید مالیات اضافی پرداخت کنم☐

من درخواست تجدید نظر در مورد برگ تشخیص مالیاتی داشتم☐

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]

[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

لطفاً هریک از گزاره‌های زیر را با دقت خوانده و سپس میزان موافقت خود را بر اساس مقیاس زیر مشخص فرمایید.

۱. وقتی که فروش من افزایش می‌یابد، می‌دانم که این افزایش فروش باعث افزایش مالیات می‌شود.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۲. هنگامی که من پولی را بدست می‌آورم خود به خود به مالیات آن فکر می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۳. من فقط زمانی به مالیات فکر می‌کنم که موعد تنظیم و تحویل اظهارنامه مالیاتی باشد.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۴. من در ذهن خودم مالیات را از فروش صورت گرفته تفکیک می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۵. من زمانی که قیمت کالا یا خدمات خود را تعیین می‌کنم به سود بعد از مالیات آن نیز فکر می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۶. هنگامی که کسب و کار من در یک سال به صورت استثنایی خوب است، من در مورد مبلغ اضافی مالیاتی که باید پرداخت کنم نیز فکر می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۷. در زندگی روزمره خود همه فروش خود را به عنوان سود تلقی می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۸. من برای پرداخت مالیات درآینده پول کنار می‌گذارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۹. من پولی را که برای پرداخت مالیات در آینده کنار گذاشته‌ام، در موارد دیگر خرج نمی‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

۱۰. من دقیقاً می‌دانم که چه مقدار پول باید برای پرداخت‌های آینده مالیات کنار بگذارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۱۱. من یک حساب بانکی جداگانه به منظور پس انداز پول برای پرداخت‌های مالیات آینده دارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۱۲. پول پرداخت شده به اداره امور مالیاتی، پول من نیست؛ بلکه مشتریان من آن را پرداخت کرده‌اند.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۱۳. من گاهی اوقات پولی را که برای پرداخت‌های مالیات در آینده کنار گذاشته‌ام در موارد دیگری نیز خرج می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

اکنون در مورد مالیات بر درآمد فکر کنید و سپس میزان موافقت خود را بر اساس مقیاس زیر مشخص فرمایید.

۱۴. وقتی من پولی را به دست می‌آورم، در ذهن خودم مالیات بر درآمد آن را از فروش تفکیک می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۱۵. من به منظور پرداخت مالیات بر درآمد اضافی احتمالی مبلغی پول کنار می‌گذارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۱۶. هنگامی که من درآمدی بیشتر از درآمد سال قبل کسب می‌کنم، پولی را برای پرداخت مالیات بر درآمد اضافی کنار می‌گذارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۱۷. مالیات بر درآمد صرفاً پولی است که توسط من وصول و به اداره امور مالیاتی پرداخت می‌شود؛ در حقیقت مشتریان من مالیات را پرداخت می‌کنند.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

۱۸. هنگامی که من مالیات بر درآمد را به اداره امور مالیاتی پرداخت می‌کنم آن را به منزله یک زیان در نظر می‌گیرم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

گزاره‌های زیر مشابه گزاره‌های بالا اما مربوط به مالیات بر ارزش افزوده هستند. میزان موافقت خود را بر اساس مقیاس زیر مشخص فرمایید.

۱۹. وقتی من پولی را به دست می‌آورم، در ذهن خودم مالیات بر ارزش افزوده را از مبلغ فروش تفکیک می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۲۰. من برای اظهار نامه مالیات بر ارزش افزوده سالانه پول کنار می‌گذارم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۲۱. مالیات بر ارزش افزوده صرفاً پولی است که توسط من وصول و به اداره امور مالیاتی پرداخت می‌شود و در حقیقت مشتریان من این مالیات را پرداخت می‌کنند.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۲۲. هنگامی که من مالیات بر ارزش افزوده را به اداره امور مالیاتی پرداخت می‌کنم آن را به منزله یک زیان تلقی می‌کنم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

لطفاً هریک از گزاره‌های زیر را با دقت خوانده و سپس میزان موافقت خود را بر اساس مقیاس زیر مشخص فرمایید.

هنگامی که من طبق قانون، مالیات بر درآمد را پرداخت می‌کنم این کار را به این دلیل انجام می دهم که:

۱. برای من واضح است که این کار باید انجام شود.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۲. من این کار را وظیفه خود به عنوان یک شهروند می‌دانم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

۳. اداره امور مالیاتی اغلب رسیدگی هایی را انجام می‌دهد.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۴. جرایم فرار مالیاتی بسیار شدید هستند.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

هنگامی که من طبق قانون، مالیات بر ارزش افزوده را پرداخت می‌کنم این کار را به این دلیل انجام می‌دهم که:

۱. برای من واضح است که این کار باید انجام شود.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۲. من این کار را وظیفه خود به عنوان یک شهروند می‌دانم.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۳. اداره امور مالیاتی اغلب رسیدگی‌هایی را انجام می‌دهد.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

۴. جرایم فرار مالیاتی بسیار شدید هستند.

بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
۱	۲	۳	۴	۵

فهرست منابع

اولی، محمدرضا؛ نیکومرام، هاشم؛ جهانشاد، آزیتا؛ پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۶)، استخراج ریاضی مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای در چارچوب حسابداری ذهنی، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۱۲-۱.

بیات، مرضیه؛ قادری، نرمین. (۱۳۹۵)، قیمت مرجع و اثرات حسابداری ذهنی بر عملکرد سرمایه‌گذاران، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۱۹، شماره ۵، صص ۱۰۴-۸۹.

بهشتی، یعقوب؛ رویایی، رمضانعلی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین فلسفه اخلاق فردی و نگرش فرار مالیاتی، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۲، شماره ۴، صص ۲۷۵-۲۴۷.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

پارسایی، منا؛ ملانظری، مهناز. (۱۳۹۸)، نقش حسابداری ذهنی در تصمیمات بودجه‌بندی سرمایه‌ای، حسابداری مدیریت، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۱۸-۱.

پمپین، میشل ام. (۱۳۸۸). دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی. (احمد بدری). تهران: شرکت انتشارات کیهان. (۱۹۶۳).

خواجوی، شکراله؛ کرمشاهی، بهنام. (۱۳۹۷)، پدیدار شناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی، فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. جلد ۳، شماره ۵، صص ۲۰۸-۱۸۷.

دیانتی دیلمی، زهرا؛ بلوطی، الهام؛ داروند، روناک. (۱۳۹۷)، خرید اینترنتی مبتنی بر ارزش: چشم‌انداز تئوری حسابداری ذهنی (مطالعه موردی: دیجی کالا، حسابداری مدیریت، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص ۶۵-۴۹.

صابری، مریم؛ دارابی، رویا؛ حمیدیان، محسن. (۱۳۹۸)، پرتفوی بهینه در فضای حباب سوداگری بر اساس حسابداری ذهنی، فصلنامه دانش سرمایه گذاری، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۱۹۱-۲۱۰.

عرب مازار، علی اکبر؛ گل محمدی، مریم؛ باقری، بهروز. (۱۳۹۰)، سطح تمکین مالیاتی، مهم‌ترین شاخص دست‌یابی به یک نظام مالیاتی مطلوب و کارآمد، پژوهشنامه مالیات، دوره ۱۹، شماره ۱۲، صص ۷۰-۲۷.

عرب مازار، علی اکبر؛ دهقانی، علی. (۱۳۸۸)، برآورد کارایی مالیات بر درآمد مشاغل و اشخاص حقوقی، پژوهشنامه مالیات، دوره ۱۷، شماره ۷، صص ۶۴-۴۵.

کیان، علیرضا؛ پورحیدری، امید؛ کامیابی، یحیی. (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر حسابداری ذهنی بر رفتار سرمایه‌گذاران از دیدگاه گزارشگری مالی، پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۲-۱.

کیان، علیرضا؛ پورحیدری، امید؛ کامیابی، یحیی. (۱۳۹۷)، بررسی رفتار مدیران در بکارگیری حسابداری ذهنی در گزارشگری صورت سود و زیان، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۵، شماره ۵۸، صص ۲۶-۱.

مؤمنی، منصور؛ فعال قیومی، علی. (۱۳۸۹)، تحلیل‌های آماری با استفاده از *SPSS*. چاپ دوم، تهران: انتشارات کتاب نو.

Adams, C., and P. Webley. 2001. Small business owners' attitudes on VAT compliance in the UK. Journal of Economic Psychology 22:195–216.

Ashby, J. S., and P. Webley. 2008a. But everyone else is doing it': a closer look at the occupational taxpaying culture of one business sector. Journal of Community & Applied Social Psychology 18:194–210.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]
[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]

Ashby, J. S., and P. Webley. 2008b. The trick is to stop thinking of it as 'your' money: mental accounting and taxpaying. Paper presented at the IAREP/SABE World Meeting 2008: Economics and Psychology: Methods and Synergies, Rome, Italy

Chambers, V., and M. Spencer. 2008. Does changing the timing of a yearly individual tax refund change the amount spent vs. saved?. Journal of Economic Psychology 29:856–62.

Hite, P. A. 1988. An examination of the impact of subject selection on hypothetical and self-reported taxpayer noncompliance. Journal of Economic Psychology 9: 445–466.

Jackson, S. B., Shoemaker, P. A., Barrick, J. A., and F. G. Burton. 2005. Taxpayers' prepayment positions and tax return preparation fees. Contemporary Accounting Research 22(2): 409-447.

Muehlbacher, S., and E. Kirchler. 2013. Mental accounting of selfemployed taxpayers: on the mental segregation of the net income and the tax due. FinanzArchiv: Public Finance Analysis 69:412–38.

Muehlbacher, S., Hartl, B., and E. Kirchler. 2017. Mental accounting and tax compliance: experimental evidence for the effect of mental segregation of tax due and revenue on compliance. Public Finance Review 45(1): 118-139.

Olsen, J., Kasper, M., Kogler, C., Muehlbacher, S., and E. Kirchler 2019. Mental accounting of income tax and value added tax among self-employed business owners. Journal of Economic Psychology 70: 125-139.

Thaler, R. H. 1985. Mental accounting and consumer choice. Marketing Science 4: 199-214.

Thaler, R. H. 1999. Mental accounting matters. Journal of Behavioral Decision Making 12:183–206.

Tversky, A., and D. Kahneman, 1989. Rational choice and the framing of decisions. In Multiple criteria decision making and risk analysis using microcomputers 81-126. Springer, Berlin, Heidelberg.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1399.5.9.7.9]

[DOI: 10.29252/aapc.5.9.371]